

آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب

آمنه داودآبادی، نصرت کمیلی
رقیه جاویدی، مهدیه محمدی
نفیسه حسینی^۱



چکیده

ارائه مدل مطلوب خانواده اسلامی و طراحی شیب مناسب برای مدیریت تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و ضرورت تغییر نگرش‌های جامعه علمی به سمت مبانی اسلامی و خارج شدن از چنگال الگوهای غربی، بحث‌هایی است که در این مقاله به آنها پرداخته شده است. با وجود اینکه دین اسلام عالی‌ترین و کامل‌ترین دستورات برای انسان و نیز خانواده را دارد، حال پرسش اساسی این است که چرا جامعه کارشناسی هنوز برای طراحی مدل خانواده براساس این مبانی، نتوانسته از سلطه مدل‌های غربی خارج شود و حتی در وضعیت بسیار مطلوب نیز فقط به یک‌سری توصیه‌های غیر مدل‌مند اکتفا می‌کند؟ در نگاه حداکثری به اسلام، باید برنامه‌های حاکم بر بنیادی‌ترین نهاد، یعنی خانواده نیز در راستای برنامه‌ریزی‌های

۱. گروه زنان و خانواده فرهنگستان علوم اسلامی قم، Email:davoody76@yahoo.com

دیگر جامعه اسلامی قرار گیرد، اما متأسفانه به‌علت نداشتن روش و الگو و عدم توانایی در کاربردی کردن و جریان دادن احکام اسلام در زندگی، شاهد حاکمیت ارزش‌ها و مؤلفه‌های نظام سرمایه‌داری و مدرنیته در خانواده اسلامی هستیم. این نوشتار با هدف ارائه مدلی تخمینی متناسب (یا در جهت) نظرات اسلام و مخالف با مبانی مادی، درصدد است تا ضمن تعریف نظری از خانواده، برای دستیابی به خانواده الهی و مطلوب راهکار نشان داده، آن را به صورت یک مجموعه به‌هم پیوسته و منسجم ارائه کند. همچنین، در این راستا، روش خروج از وضعیت کنونی و مسیر حرکت به سوی خانواده مورد تأیید دین اسلام را به تصویر بکشد.

واژه‌های کلیدی: مدل، خانواده، شبه خانواده، وهم خانواده، دل‌بسته، پیوسته، وابسته

۱. مقدمه

در طول تاریخ، خانواده به‌عنوان یکی از ارکان اساسی برای ساختن جامعه‌ای رو به رشد و تعالی مطرح بوده است. در گذر زمان، این کانون انسان‌ساز برای پرورش نیروی انسانی کارآمد و خلاق، بدون داشتن پشتوانه‌ای قوی، دچار آسیب‌های بنیادین خواهد شد. بنابراین، به دلیل این جایگاه ویژه، پژوهش‌ها و مطالعاتی که در این‌باره صورت می‌گیرد، اهمیت بیشتر و مهم‌تری دارد؛ چراکه این پژوهش‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های نظری، می‌تواند در شکل‌گیری و جهت‌دهی خانواده‌ها و ساخته‌شدن مبانی فکری اعضای خانواده بسیار مؤثر واقع شود، اما آنچه ما را بر آن داشت تا از این زاویه به موضوع خانواده بپردازیم، این مهم بود که با وجود حاکمیت ایدئولوژی‌های قوی اسلامی بر اندیشه‌ها، نظریه‌ها و گرایش کارشناسان در ترسیم خانواده اسلامی، همچنان به راهکارهای مقطعی و التقاطی و توصیه‌های اخلاقی و ارزشی بسنده شده است. درحالی که خانواده اسلامی یکی از نهادهای مؤثر در شکل‌گیری جامعه‌ای براساس اصول نظام ولایت و محوریت عبودیت و بندگی در تمام شئون زندگی است. در نتیجه، ضرورت طراحی مدلی برای ساختن یک خانواده مطلوب اسلامی براساس مبانی ارزشی دین مبین اسلام آشکار می‌شود.

بنابراین، برای آنکه بتوان مدلی طراحی کرد که توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای موجود جامعه را داشته باشد و در دنیای پر رمز و راز امروز منفعل نشده، کارآمد و برتر از مدل‌های موجود باشد، ناگزیر باید آسیب‌های پیش روی آن را شناخت. روشن است



۹۰۵ ► آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب

که شناسایی عوامل آسیب‌زای هر موضوعی، برای شناخت هرچه بهتر و بیشتر آن بسیار مؤثر است. از این‌رو، به بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون خانواده پرداخته می‌شود؛ در ادامه مقاله به مدل مورد نظر اشاره می‌شود. این مدل تخمینی بوده، نمی‌توان صددرصد آن را به مبانی اسلام نسبت داد؛ بلکه در جهت مدل‌های اسلامی و در خلاف مدل‌های مادی است.

۲. بررسی و نقد پژوهش‌های گذشته

خانواده، یکی از مهم‌ترین نهادهای حیات و رشد و بالندگی اجتماع است؛ بنابراین، شناخت عواملی که باعث آسیب این نهاد و در نهایت، فروپاشی و سست شدن پایه‌های آن می‌شود، ضرورت دارد. از سوی دیگر، خانواده‌ای که براساس بنیان‌های ضعیف پی‌ریزی شده باشد، در طول زمان، بر اثر رویارویی با انواع حجمه‌های دنیای پیرامون خود، دچار تزلزل و آسیب شده، آنچه را که از خانواده و نقش آن در رشد و تکامل جامعه و نیروی انسانی انتظار می‌رود، به دست نخواهد آورد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگران، می‌توان مهم‌ترین عوامل آسیب نهاد خانواده را تفاوت‌های ایمانی و مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، روان‌شناختی و تربیتی و نیز اقتصادی زن و مرد دانست. برخی از محققان، به عواملی مانند تأثیر منفی سازمان‌ها و نهادها بر روی خانواده و همچنین، تأثیر اندیشه کارشناسان و دانش‌آموختگان غرب به‌عنوان عوامل آسیب‌زای خانواده‌ها اشاره کرده‌اند. برخی دیگر، ورود مدرنیته به ایران و تبدیل الگوی خانواده گسترده به هسته‌ای و تضعیف روابط خانوادگی را باعث تغییر و آسیب خانواده‌ها دانسته‌اند (ر.ک: مطهری، ۱۳۵۷، ۱۳۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۷؛ سالاری‌فر، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸؛ حسینی، ۱۳۸۸؛ بستان، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

به نظر می‌رسد با وجود آنکه تمام موارد بیان شده می‌تواند به‌عنوان عوامل آسیب بر نهاد خانواده باشد، اما آنچه در وهله نخست پرداختن به آن ضرورت دارد، این موضوع است که در پژوهش‌های مربوط به خانواده، جایگاه شایسته خانواده در میان مباحث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مشخص نیست. به همین دلیل، وزن‌دهی مناسب و ارزشی، روی این نهاد اساسی صورت نگرفته و به‌عنوان موضوعی اصلی و محوری در میان مباحث فرهنگی و جامعه‌شناسی مطرح نشده است. در نتیجه چنین رویکردی و



نیز غفلت صاحب‌نظران مسلمان در طراحی مدل، سبک‌ها و مدل‌های زندگی غربی، به دلیل مدل‌مند بودن و جذابیت آنها، توانسته‌اند به‌سرعت در میان خانواده‌های جوامع گوناگون، به‌ویژه مسلمانان، جایگاه مناسب و در بعضی از موارد، موضع قابل دفاعی پیدا کنند. بدون توجه به اینکه این مدل‌ها اجزای یک سیستم به هم پیوسته و هماهنگ می‌باشد و نمی‌توان به صورت بریده، قطعه‌ای از یک سیستم را در سیستمی دیگر وارد کرد، در حالی که از پایه و اساس با آن متفاوت باشد.

با شناخت بهتر آسیب‌های نهاد خانواده و عوامل اصلی آسیب‌زا، می‌توان به‌جای ارائه راهکارهای بدون تأثیر یا پرداختن به همه راهکارها و صرف نیروی زیاد، اما کم یا بدون نتیجه، به راهکارهای اصلی پرداخت و برنامه‌های اصلاحی را با توجه به مؤلفه‌های اصلی آسیب‌زا طرح‌ریزی کرد و در پیرامون آن، به راهکارهای دیگر نیز پرداخت. در واقع، با شناسایی و سپس برنامه‌ریزی و صرف نیروی عامل اصلی آسیب خانواده‌ها و در کنار آن، با وزن‌دهی به عوامل فرعی و پرداختن به آنها، با توجه به اهمیت هر یک، می‌توان به خانواده‌ای باثبات و پویا دست یافت و برای کمال و پیشرفت آن، برنامه و مدل عملیاتی ارائه کرد. بنابراین، بررسی و ارزیابی پژوهش‌های انجام شده درباره خانواده ضرورت می‌یابد. با یک دید کلی و براساس روش‌های تحقیقی، این‌گونه پژوهش‌ها به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند: الف) جامعه‌شناختی؛ ب) روان‌شناختی؛ ج) حقوقی؛ د) قرآنی و روایی.

در پژوهش‌های سه دسته اول، دو نوع رویکرد وجود دارد: ۱) رویکرد صرفاً کارشناسی؛ ۲) رویکرد تطبیقی. در پژوهش‌هایی با رویکرد صرفاً کارشناسی، سیر بحث‌ها فقط به صورت علمی مطرح می‌شود، اما در رویکرد تطبیقی، علاوه بر نگاه علمی در ارائه مباحث، رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای بین دیدگاه‌های اسلامی و غربی نیز وجود داشته است.

الف) نگاه جامعه‌شناختی به خانواده: برخی از این‌گونه پژوهش‌ها، با رویکرد صرفاً کارشناسی و براساس درک معاصر از علم جامعه‌شناختی با مرکزیت فهم مدرنیته نوشته شده است. به همین دلیل، خانواده ایرانی را با توجه به درک جدید در قالب مفهوم مدرنیته ایرانی بررسی کرده، در طی فرایند مطالعه و تأمل، به این نتیجه می‌رسند که خانواده ایرانی نه تنها فروپاشی نداشته، بلکه دچار تغییرات بنیادی شده است (ر.ک: آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). بعضی دیگر، با توجه به اصول و رویکرد نظریه



آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب ▶ ۹۰۷

کارکردگرایی به مطالعه خانواده پرداخته‌اند. بر این اساس، در سیر مطالعاتی خود، فرایند تطور نهاد خانواده، انواع آن، نقش و کارکرد اعضا، روابط درونی خانواده و مانند اینها را بررسی کرده‌اند (رک: ساروخانی، ۱۳۷۵). برخی دیگر، ساختار و کارکرد را با هم در نظر گرفته و با توجه به رویکرد نظریه کارکردگرایی ساختی، به خانواده نگاه کرده، بر همین مبنا، به ویژگی‌های خانواده امروزی و تأثیرهای متقابل جامعه و خانواده پرداخته‌اند؛ البته در بعضی از آنها، جهت‌گیری فمینیستی در بیان مباحث، قابل مشاهده است (رک: اعزازی، بی‌تا).

در دسته‌ای از کتاب‌هایی که براساس روش علمی و با نگاه مقایسه‌ای و تطبیقی جامعه‌شناختی خانواده در اسلام و غرب تدوین شده است، از مسائل کلی (نظریه‌های مذاهب مختلف) تا مطالب بسیار جزئی (مانند مباحث خواستگاری، بارداری و تربیت کودک) در حجم اندکی بیان شده است (رک: شریف قرشی، ۱۳۸۲). برخی دیگر از آنها بیشتر به مسئله ازدواج پرداخته و بخش‌های کمی از آن درباره خانواده و مقایسه با جهان غرب است (رک: مطهری، ۱۳۷۴). بعضی دیگر نیز سعی در ارائه دیدگاه جامعی درباره خانواده از زاویه جامعه‌شناختی داشته و با بیان نظریه‌های گوناگون غربی و سپس اسلامی، تلاش کرده‌اند تا در واقع، نظر اسلام را با نظریه‌های غربی تطبیق دهند (رک: بستان، ۱۳۸۳).

ب) نگاه حقوقی به خانواده: بیشتر این‌گونه پژوهش‌ها، علاوه بر نگاه حقوقی به خانواده، مقایسه‌ای نیز بین حقوق خانواده در اسلام و دیگر ادیان و غرب انجام داده‌اند (رک: محمدی جورکویه، ۱۳۸۲؛ هدایت‌نیا، ۱۳۸۶؛ محقق داماد، ۱۳۶۵؛ اسعدی، ۱۳۸۷؛ حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶) و تعدادی نیز صرفاً نگاه حقوقی به خانواده داشته‌اند (رک: صفایی و امامی، ۱۳۷۶). به دلیل رویکرد غالب روشی، این دسته را نگاه حقوقی و فقهی نامیده‌ایم. مزیت آنها این است که بین نگاه حقوقی و فقهی به خانواده تلفیق کرده، با توجه به شریعت اسلام، به حقوق خانواده پرداخته‌اند، اما در استنباط حکم، منطق حجیت شرعی به کار گرفته نشده و امکان تفسیر به رأی درباره مسئولیت‌ها و حقوق اعضای خانواده وجود دارد.

ج) نگاه روان‌شناختی به خانواده: این‌گونه پژوهش‌ها از زاویه جدیدی خانواده را بررسی کرده‌اند. مزیت اصلی آنها، تبیین خانواده با تلفیقی از نگاه روان‌شناختی و اسلام است. هدف تألیف این‌گونه کتاب‌ها، توصیه‌های تربیتی و روان‌شناختی با



رویکرد اسلامی برای مقابلهٔ خانواده‌ها با پیچیدگی‌های زندگی کنونی است، اما در برخی از آنها، صرفاً آموزه‌های اسلام در حدّ توصیه‌های اخلاقی بیان شده است (ر.ک: سالاری‌فر، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸).

د) نگاه قرآنی و روایی به خانواده: بیشتر پژوهش‌های اسلامی دربارهٔ خانواده با این روش و زاویهٔ دید است. برخی از این‌گونه مطالعات، سعی در ارائهٔ الگوی خانوادهٔ اسلامی دارند (ر.ک: بهشتی، ۱۳۷۷). بعضی دیگر، خانواده را از نظر میزان استحکام روابط درونی‌اش به سه دستهٔ خانوادهٔ متزلزل، خانوادهٔ متعادل و خانوادهٔ متکامل، تقسیم و ویژگی‌های هر یک را بیان می‌کنند و معتقدند که خانواده پس از حصول تعادل، به تکامل و بالندگی می‌رسد (ر.ک: شرفی، ۱۳۷۴). برخی ادعان کرده‌اند که باید سیستم زندگی، یعنی نگرش‌ها، روش‌ها و کنش‌ها در جهت تحقق طاعه‌الله تنظیم شود تا خانوادهٔ کارآمد و متعالی شکل گیرد (ر.ک: سویزی، ۱۳۸۶). بعضی دیگر، خانوادهٔ متعادل را خانواده‌ای می‌دانند که اعضای آن به حقوق و وظایف خود عمل می‌کنند و چند شاخص قرآنی برای خانوادهٔ سالم بیان می‌کنند (ر.ک: میرحسینی اشکوری، ۱۳۸۲). برخی فقط به عوامل سعادت خانواده و حقوق متقابل آنها پرداخته، تأکید کرده‌اند که مباحث کتاب جنبهٔ رهنمودی، توصیه‌ای و تربیتی دارد (ر.ک: فاخری و منتظری، ۱۳۸۵؛ آقاتهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۸۹؛ انصاریان، ۱۳۷۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶). دسته‌ای دیگر، کتاب فرعی دربارهٔ خانواده تلقی می‌شوند و فقط بخش‌هایی از آن در این‌باره قابل استفاده است (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۳۸۶؛ مرتضی عاملی، ۱۳۸۲؛ حجازی، ۱۳۷۱؛ مطهری، ۱۳۶۸). برخی از یک زاویهٔ خاص، مثلاً تربیتی یا اقتصادی یا از زاویهٔ نگاه به زن، خانواده را بررسی و تحلیل کرده‌اند (ر.ک: کشوادی، ۱۳۸۶؛ رحیمی‌یگانه، ۱۳۸۶؛ زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱). در نهایت، برخی دیگر، مطالعات مفید و قابل استنادی در بحث چیستی، چرایی و چگونگی خانوادهٔ الهی دارند، اما دربارهٔ عملیاتی کردن یا وزن‌دهی مناسب آنها بحثی صورت نگرفته است (ر.ک: دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶).

در پایان، یادآور می‌شویم که به دنبال بررسی تمامی مطالعات انجام شده دربارهٔ خانواده نبوده‌ایم و ادعای دسته‌بندی کاملی از آنها را نداریم، اما به هر حال، با توجه به بررسی‌های صورت گرفته روی این‌گونه مطالعات، نکته‌های ذیل قابل تأمل است. اول اینکه، هدف بیشتر محققان، به‌ویژه آنهایی که با نگاه قرآنی و روایی به مطالعهٔ



خانواده پرداخته‌اند، ارائه الگوی خانواده اسلامی یا متعالی و کارآمد بوده و حتی برخی صورتی از خانواده متکامل را بیان کرده‌اند، اما چگونگی گذار و روش رسیدن به چنین خانواده مطلوب اسلامی، مشخص نیست؛ البته درباره حقوق خانواده استنباط فقهی صورت گرفته، اما درباره مدل و الگوی خانواده اسلامی، عناصر و مؤلفه‌های آن، استنباط فقهی روی آیات و روایات صورت نگرفته است. دوم اینکه، برخی از محققان، صرفاً به دنبال توصیه‌ها و رهنمودهای اسلامی، اخلاقی، تربیتی یا روان‌شناختی برای خانواده بوده‌اند و طرحی برای چگونگی به‌کارگیری و عملیاتی کردن این توصیه‌ها بیان نکرده‌اند. همچنین، در این پژوهش‌ها، به دلیل عدم توجه به حاکمیت مبنای واحد بر عوامل، با نگرش مجموعه‌ای به مباحث پرداخته نشده و مسائل خانواده به صورت خردنگری بررسی شده است. باید توجه داشت که براساس وجود کتاب‌ها و سخنرانی‌های بسیاری که در این‌باره صورت گرفته، تقریباً بیشتر افراد جامعه، نسبت به این رهنمودها آشنایی و آگاهی دارند، ولی همچنان خانواده‌ها با مشکل و در بعضی از موارد، با بحران روبه‌رو هستند، اما اگر طرحی برای عملیاتی کردن این توصیه‌ها ارائه می‌شد، به‌طور قطع، اکنون خانواده‌ها با چنین وضعی مواجه نبودند. سوم اینکه، برخی نگاه علمی و کارشناسی به خانواده داشته‌اند، اما خانواده ایرانی و اسلامی را با دریچه نظریه‌های غربی مطالعه کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، برخی از پژوهشگران به دلیل انتزاع الگو از فلسفه حاکم بر آن، الگوهای مکاتب غربی را می‌پذیرند و ظواهر آن را منطقی می‌شمارند. به همین دلیل، بعضاً سعی در برقراری ارتباط و انطباق الگوهای غربی با آموزه‌های اسلامی جهت بومی‌سازی و چشم‌پوشی از مبانی و اصول مورد نظر اسلام را داشته‌اند، اما با توجه به متفاوت بودن مبنا و اصول اسلام با غرب، بعضاً در سیر مطالعاتی و حتی نتایج خود به خطا رفته‌اند. برخی از اندیشمندان نیز برای نشان دادن عدم فاصله بین مباحث مطرح شده در غرب با اسلام، سعی بر تطبیق آموزه‌های شریعت اسلام با غرب، از طریق بیان روایات و آیات موردی با نگاه شخصی و سلیقه‌ای داشته‌اند و جمع‌بندی آیات و روایات را به صورت منظومه‌ای واحد از دیدگاه اسلام انجام نداده‌اند. علاوه بر این، به مبانی اندیشه غرب و حاکمیت نگرش اومانیستی بر نظریه‌ها و مکاتب غربی نیز توجه نکرده‌اند. نکته اساسی و پایانی در این بخش، که متوجه تمامی پژوهش‌ها در موضوع خانواده است، این مهم است که هیچ یک از آنها، عهده‌دار معادله تغییر خانواده موجود به خانواده مطلوب نیستند،



بنابراین، نیازمند برنامه‌ توسعه و مطالعات عمیق‌تر و بیشتری در این‌باره هستیم. در واقع، مجموع نکته‌های بیان شده و همچنین، عدم وجود پژوهش‌های جدی، عمیق، نظام‌مند، هدفمند و کارآمد در جهت ارائه یک سامان‌دهی اجتماعی و ارائه الگویی عملیاتی برای خانواده مطلوب، باعث شده که نه‌تنها با وجود زیاد شدن تحقیقات و پژوهش‌های گوناگون درباره خانواده، مشکلات خانواده، مشکلات خانوادها کم نشود؛ بلکه روزبه‌روز بیشتر شده، هر روز با مشکلات و معضلات جدیدتری روبه‌رو شوند. بنابراین، ضرورت دارد که در سایه پژوهش‌هایی که در آن روند دست‌یابی به یک خانواده مطلوب ترسیم می‌شود، خانواده‌ها را از سردرگمی خارج نموده، تا از دست یازیدن به سبک و الگوهای غربی بی‌نیاز شوند؛ البته کاملاً واضح است که این الگو، که پس از پژوهش‌های لازم و ضرورت وجود چنین مدلی ارائه شده است، باید هماهنگ با دیگر ساختارهای اساسی جامعه و برنامه‌ریزی‌های کلان آن بوده به نحوی که تمام مدل‌ها برنامه تغییرشان با یکدیگر هماهنگ باشد.

۳. پیش‌نویس اولیه مدل مطلوب خانواده

در غرب، پس از رنسانس، با هدف سرپرستی تکامل و توسعه مادی، به دنبال پی‌ریزی مدلی برای مدیریت توسعه مادی بوده‌اند. در حالی‌که در جوامع اسلامی برای پی‌ریزی الگویی کاربردی و جامعه‌شناسانه از متن اسلام، هنوز کار چندانی صورت نگرفته است تا محصولی قابل پیاده شدن در جامعه داشته باشد. از این‌رو، با احترام به کوشش تمامی پژوهشگران اسلامی در بخش خانواده، با نگرشی ژرف و عمیق‌تر در آیات و روایات، می‌توان مدلی برای مدیریت خانواده طراحی کرد تا بستر شکل‌گیری خانواده‌هایی باشد که محیط پرورشی آن، مملو از عبادت و رسیدن به اهداف عالی عبودیت است. همچنین، زندگی ائمه اطهار(ع) باید در عمل، پیاده شود و زندگی این انوار نباید به‌عنوان الگو در گوشه ذهن جا گرفته، اما با مدل غربی زندگی مسلمانان را طراحی کرد.

در اینجا شمایی کلی از یک مدل^۱ برای خانواده اسلامی ارائه می‌شود که سعی شده در جریان طراحی آن، به سمت مبانی اسلامی جهت‌گیری و هدف‌گذاری شود. از این‌رو، مدل مدیریت پیشنهادی در سه بخش طراحی شده که به نظر می‌رسد

۱. طرح کلی این بخش برگرفته از مباحث حجت‌الاسلام و المسلمین سید مرتضی حسینی الهاشمی (۱۳۸۸) است



۹۱۱ ► آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب

دربرگیرنده تمامی ابعاد طراحی یک مدل است. این سه بخش عبارت است از شناسایی، ارزیابی، تدبیر.

بخش اول، شناسایی: تا زمانی که یک موضوع به طور دقیق شناخته نشود، نمی‌توان به درستی نسبت به آن تدبیر و برنامه‌ریزی کرد؛ بنابراین، ابتدا در این قسمت شناسایی کیفی از خانواده صورت خواهد گرفت و به خانواده از بعد نظری توجه می‌شود. این امر، به آن دلیل ضرورت دارد که عدم شناخت صحیح وضعیت موجود و تحلیل نظام سرمایه‌داری به عنوان محیط بیرونی حاکم بر جامعه و خانواده، باعث شده که در ارائه وضعیت مطلوب، فقط به یک‌سری بایدها و نبایدها اکتفا کرده، مدل جریان این وضعیت مطلوب در عینیت تولید نشود و تنها به تبلیغ و ارشاد بسنده شود. در ادامه مقاله، برای شناخت بهتر خانواده، آن را از سه بُعد «چیستی، چرایی و چگونگی» هم در دیدگاه‌های منسوب به اسلام و هم در مدل مورد نظرمان، بررسی و تحلیل می‌کنیم.^۱

بخش دوم، ارزیابی: پس از آنکه موضوع خانواده به دقت از نظر کیفی و نظری بررسی شد، در این بخش از مدل، اوصاف خانواده وزن‌دهی شده، ارزش‌گذاری می‌شود. بر همین اساس، جدول ماتریسی ترسیم می‌شود که سنجش کمی متغیرهای خانواده را به خوبی دربر خواهد گرفت.

بخش سوم، تدبیر: این قسمت، اجرایی‌ترین و عملیاتی‌ترین بخش این مدل است. در اینجا طی سه مرحله پیش‌بینی (برنامه‌ریزی)، هدایت (سازماندهی) و کنترل (نظارت)، می‌توان به تدوین برنامه تغییر از وضعیت موجود به مطلوب پرداخت. به این گونه که در برنامه‌ریزی، وضعیت عینی و عملیاتی، نه صرفاً نظری، خانواده را پیش‌بینی کرده، سپس در سازمان‌دهی، برنامه تغییر ارائه می‌شود. در قسمت نظارت نیز به کنترل تغییرات وضعیت موجود به مطلوب خواهیم پرداخت.^۲

۳-۱. بررسی وضعیت موجود نهاد خانواده

همچنان که اشاره شد، براساس مدل طراحی شده، در بخش شناسایی، برای آنکه ابعاد نظری موضوع خانواده، کاملاً شناخته شود، ابتدا تعاریف موجود از خانواده بررسی

۱. البته در مدل فوق، خانواده در غرب نیز بررسی شده، اما در این نوشتار به دلیل اختصار به آن پرداخته نشده است.

۲. توضیح و تفسیر بخش‌های ارزیابی و تدبیر از حوصله این نوشتار خارج است و فقط با اشاره‌ای، به دلیل ارائه کامل مدل، از آنها می‌گذریم.



می‌شود که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است؛ چرا که تعریف، زیربنای فکری یک موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. سپس کارکردهای مورد انتظار از خانواده یا چرایی‌ها، مطرح و در ادامه، به عوامل مؤثر بر ثبات یا فروپاشی خانواده پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. چیستی خانواده کنونی

با بررسی تعاریف موجود از خانواده، می‌توان محورهای اصلی این تعاریف را در چند دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته نخست، تعاریفی است که از نظر مبنایی، ارتباط با مبدأ هستی و غایت به گونه‌ای حفظ و لحاظ شده است، مانند تعاریفی که در آنها نهاد خانواده، نهادی فطری، الهی و کمالی (رک: سویزی، ۱۳۸۶؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶) در نظر گرفته شده که با تعهدی الهی (رک: انصاریان، ۱۳۷۵) شکل می‌گیرد. در سایه چنین خانواده‌ای، رسیدن به اهداف عالی انسانی و الهی آسان‌تر خواهد بود (رک: حسینی، ۱۳۸۸). تعاریف دیگری که صاحب‌نظران بحث خانواده ارائه کرده‌اند، شامل تعاریفی است که در آنها خانواده، به‌عنوان عمومی‌ترین و حیاتی‌ترین سازمان و نهاد اجتماعی تأکید شده است. این نهاد اجتماعی براساس ازدواج شکل می‌گیرد (رک: سالاری‌فر، ۱۳۸۸؛ حسینی، ۱۳۸۸). این نهاد و سازمان حیاتی و واحد بنیادین جامعه، از یک‌سو، نهادی طبیعی - قراردادی (غریزی - قراردادی) با منشأ فطرت انسانی یا طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولید مثل دانسته شده که در آن مناسبات خونی به چشم می‌خورد و نیز اشتراک مکانی دارند. از سوی دیگر، خانواده نشان یا نماد اجتماعی تلقی شده که برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است و نیز هسته مرکزی و تشکیل‌دهنده ملت‌ها است (رک: طاهری، ۱۳۸۴؛ مطهری، ۱۳۷۵؛ اسعدی، ۱۳۸۷؛ ساروخانی، ۱۳۵۷؛ سالاری‌فر، ۱۳۸۴). البته، تعاریف دیگری نیز از خانواده توسط برخی از صاحب‌نظران ایرانی ارائه شده است، اما به دلیل آنکه مبنای فکری آنها با الگوهای غربی و اومانیستی پیوند دارد، مطمئناً نمی‌تواند الگو و تعریفی متناسب با شأن جامعه اسلامی داشته باشد؛ بنابراین، از بیان آنها صرف‌نظر شده است.

نکته قابل دقت در تعاریف بیان‌شده، این است که در تعاریفی که ارتباط انسان با غایت هستی و مبدأ حیات بشری حفظ شده است، متغیرهای این تعاریف آن‌چنان کلی و بریده از مجموعه عوامل و عناصر دیگر دیده شده است که نمی‌توان براساس آنها به روشی برای ترسیم خانواده‌ای الهی و مطلوب دست یافت.

تعاریف دیگر در یک نگاه اولیه، به مؤلفه‌هایی اشاره کرده که جهان‌شمول است و به



نوعی تمامی ابناء بشر در اقصی‌انقاط دنیا به آن اذعان دارند؛ البته به نظر می‌رسد که در ابتدای امر، مشکلی را به وجود نمی‌آورد و شاید بتوان گفت که تعریف، باید به‌گونه‌ای باشد که شامل بوده، جامعیت داشته باشد، اما در این‌گونه تعاریف، نمی‌توان جایگاه ارتباط خانواده با منشأ و مبدأ هستی را مشخص کرد؛ به عبارت دیگر، در این تعاریف، مؤلفه‌هایی بیان شده که حتی اگر خانواده‌ای براساس مبانی الهی شکل نگرفته باشد، این تعریف شامل آنها نیز شود. همچنین، در مبنای برخی از این تعاریف، یک نوع التقاط نیز به چشم می‌خورد، صاحب‌نظران مسلمان به‌جای تولید تعاریفی بر پایه‌ی اصول اصیل اسلامی و براساس استنباط الگوهای الهی و انطباق آن با خانواده‌های امروزی (یعنی یک نوع الگودهی و الگوسازی صحیح، کارآمد و عینی از خانواده الهی)، فقط تعاریف و قالب‌های ارائه‌شده و نسخه‌های پیچیده جهان مادی را استفاده کرده، آنچه را از آن تعاریف به‌نظر مفید و کارآمد بوده، استقرا و ارائه کرده‌اند. در حالیکه مبنا و جهت حاکم بر تفکرات نظریه‌پردازان غربی، در نهایت به افزایش سود سرمایه، سکولاریسم و اومانیزم ختم خواهد شد، سیستم غرب آن‌چنان این عناصر را به دقت و ظرافت در اصول بنیادین خویش به کار برده و جهان بشری را نیز با خود هماهنگ کرده است که کمتر، دنیای اسلام را به این فکر فرو خواهد برد که آنچه با عنوان عناصر مثبت از آن یاد می‌شود، ظواهری فریبنده است که قطعاً بریده از تفکرات حاکم بر آن نخواهد بود. این متغیرها هرچند به طبیعت و فطرت بشر بازگشت دارد، اما آنچه در اعتقادات اسلامی از آن با عنوان مفاهیم ارزشی، به‌دلیل جهت آنها به‌سوی غایت، یاد می‌شود، در آنها منظور و لحاظ نشده است و به‌طور کلی، در دیدگاه‌های غیرالهی، انسان، بر پایه‌ی مفاهیم اومانیزم، بریده از مبدأ و معاد دیده می‌شود و این موضوع مهم و خطیری است که نباید از آن غفلت کرد.

۳-۱-۲. چرایی خانواده کنونی

در مباحث و نظریه‌های موجود اسلامی، به‌ترتیب اهمیت، موارد ذیل به‌عنوان کارکرد خانواده معرفی شده است: آرامش روحی؛ تکامل شخصیتی زن و مرد و برطرف کردن نقص‌های یکدیگر؛ تنظیم نیاز جنسی و حفظ کردن یکدیگر از گناه؛ تولیدمثل و تربیت فرزند؛ اجتماعی شدن؛ کارکرد حمایتی و مراقبتی؛ کارکردهای اقتصادی؛ تأمین پایگاه‌های اجتماعی. شایان ذکر است، در میان مطالب موجود، که با نگرشی



اسلامی به مباحث خانواده پرداخته‌اند، در برخی از موارد، به اموری مانند پیروی از سنت، رسیدن به قرب خداوند، رشد دین‌داری و یآوری در رسیدن به کمال معنوی نیز اشاره شده است. روشن است که این موارد برای یک خانواده اسلامی، بسیار مناسب و حیاتی است، اما توجه به نکته‌های ذیل خالی از فایده نیست. اگر مهم‌ترین کارکردهای خانواده، موارد بیان شده باشد پس باید اذعان کرد که در چنین وضعیتی، نگرش اسلامی به خانواده و کارکردهای آن مبنایی نیست و با برداشت سطحی از آیات و روایات چنین کارکردهایی به دست آمده است. در حالیکه شایسته است آیات و روایات با روش اجتهادی فقها مبنایی شده، حجیت آن در نسبت دادن به دین تمام شود، سپس با یک مبنای الهی قابل جریان در تمامی کارکردها، وزن و اهمیت هر یک در ارتباط با سایر کارکردها مشخص شود. بر این اساس، خانواده اسلامی می‌تواند با چنین کارکردهایی که تمام شئون زندگی او را دربر گرفته است، در تمام لحظات، خود را در معرض تکلیف الهی و در مسیر رسیدن به قرب ببیند. بنابراین، با بیان آیات و روایات موردی و بریده از هم و خارج از یک مجموعه منسجم و مدل‌مند، نمی‌توان سیر صعودی خانواده به سمت هدف را تعیین کرد. در حالیکه در مدل‌های حاکم بر نظام‌های مادی، خانواده و کارکردهای آن بر مبنای اهداف مادی و با نگرش سرمایه‌داری، تعریف شده، جایگاه مشخصی می‌یابند؛ به گونه‌ای که پس از تنظیم سبک و سیاق زندگی براساس آن مدل‌ها، اهداف نظام سرمایه‌داری بر پایه افزایش سرمایه و سود سرمایه، به راحتی قابل دستیابی است. بنابراین، با وجود تمام کارکردهایی که برشمرده شد، اما کارکرد اصلی خانواده الهی، بسترسازی جهت تقرب و کمال تک‌تک اعضای خانواده است که در مطالعات و تحقیقات به آن کمتر اشاره شده است.

۳-۱-۳. چگونگی خانواده کنونی

در این بخش به عوامل ثبات یا فروپاشی خانواده پرداخته می‌شود. اما به دلیل اختصار مقاله و اینکه موارد بیان شده در کتاب‌های بسیاری بحث شده است، از بیان عوامل صرف نظر کرده و به تحلیل و ارزیابی آنها می‌پردازیم.

– تحلیل عوامل ثبات خانواده کنونی

بیشتر موارد بیان شده برای ثبات خانواده، درونی است در حالیکه اگر خانواده را نهادی در کنار نهادهای دیگر جامعه بدانیم، مسلماً باید نگاه جامعه علمی به این نهاد، مانند



آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب ▶ ۹۱۵

بقیه نهادها باشد و برای آن برنامه‌ریزی شود. به عبارت بهتر، هرچند سازمان‌ها و نهادهای موجود، برنامه‌ریزی‌های درون مجموعه‌شان را خود برعهده دارند، اما این برنامه‌ریزی‌ها در چارچوب سیاست‌گذاری‌های کلان و توسعه‌ای است که نظام برای آنها تنظیم نموده است. بنابراین، به نهاد اساسی و بنیادین جامعه اسلامی، یعنی خانواده نیز باید چنین نگرشی داشته باشیم، به گونه‌ای که برای این پتانسیل قوی جامعه، نیز جایگاه و قدر و منزلتی شایسته و ویژه در سیاست‌گذاری‌های جامعه اسلامی قائل شده و از تأثیرهای متقابل جامعه و نهادهای آن بر خانواده و بالعکس غفلت نورزیم. نکته قابل دقت اینکه، عوامل ثبات بی‌شماری توسط پژوهشگران برای خانواده برشمرده شده است، ولی خانواده‌ها به دلیل عدم وزندهی مناسب و عدم ارائه الگوی عملیاتی عینی، توانایی به کار بستن این عوامل را به نحو صحیح و کارآمد ندارند.

– تحلیل عوامل فروپاشی خانواده کنونی

پژوهشگران در این بخش نیز، بیشتر عوامل درونی تضعیف یا فروپاشی بنیان‌های خانواده را بیان و بررسی کرده‌اند و کمتر به عوامل بیرون از خانواده و ارتباطی توجه کرده‌اند. برای نمونه، به تأثیر اندیشه کارشناسان و دانش‌آموختگان غرب در مطالعات کمتر اشاره شده؛ در حالیکه یکی از عوامل آسیب جدی خانواده‌ها است. تأثیر این تفکرات بر خانواده‌ها، باعث ارائه الگوی زندگی و روابط خانوادگی غربی شده که به طور عام با مبانی غیر الهی پیوند و گره خورده است. این متفکران از تأثیرهای عمیق ورود مدرنیته بر جوامع اسلامی غفلت ورزیده و در برخی از موارد، صراحتاً بیان می‌دارند که این عامل باعث فروپاشی خانواده‌ها نخواهد شد، بلکه تغییرات بنیادین در آن ایجاد خواهد کرد!

تأثیر سازمان‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر روی نهاد خانواده نیز نادیده انگاشته شده و در برخی از موارد فقط به تأثیر یک سازمان (صدا و سیما) پرداخته شده است؛ در حالیکه، در دنیای کنونی، که دوران پیشرفت و آگاهی فزاینده است، نهادها و سازمان‌های مختلف اجتماع درهم تنیده شده و به هم مرتبط هستند. این ارتباط، دو طرفه و متقابل است و می‌تواند اثرگذاری مثبت یا منفی داشته باشد. اگر سازمان‌ها و نهادهای گوناگون جامعه، براساس نظام دنیاگرایی و مادیت طرح‌ریزی شده باشد، نهاد خانواده نیز به آن سمت و سو کشیده خواهد شد؛ چراکه در تعاملی



تنگاتنگ با آنهاست؛ برعکس، اگر پایه‌های سازمان‌ها و نهادهای اجتماع، مبتنی بر نظام الهی باشد، نهاد خانواده نیز، که بسیار متأثر از آنهاست، رو به کمال و تعالی خواهد رفت.

همان‌گونه که مشخص است، هرچه ساختار و مدل خانواده‌ها به الگوی خانواده مطلوب نزدیک‌تر باشد، عوامل مؤثر بر از بین رفتن یا تضعیف آن، کمتر می‌شود، هیچ عاملی با دژ مستحکم چنین خانواده‌ای، یارای مقابله نخواهد داشت و هرگز باعث جدایی اعضای آن یا متزلزل شدن مجموعه آن نخواهد شد و به عبارت مصطلح، به فروپاشی نمی‌رسد، اما هر قدر از چنین خانواده‌ای فاصله گرفته شود، عوامل مؤثر بر از دست رفتن بنیان‌های آن قدرت بروز و عرض اندام پیدا کرده، با سهولت بیشتری خانواده را از بین خواهد برد.

بنابراین، برای جلوگیری از تضعیف یا فروپاشی بنیان‌های خانواده، باید آن را در قالب یک مهندسی جدید، بازشناسی و بازتعریف کرد. سپس با وزن‌دهی و تعیین عوامل (اصلی، فرعی، تبعی)، اهمیت و جایگاه هر عامل را بهتر شناخت تا براساس آن بتوان برای حل آنها و ریشه‌کن کردن این آسیب‌ها، برنامه‌ریزی نمود.

۲-۳. ترسیم و معرفی مدل مطلوب نهاد خانواده

۱-۲-۳. چیستی خانواده مطلوب

با یادآوری آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و روایاتی چون «سلمان منّا اهل البیت» به این نکته پی می‌بریم که ممکن است تعریف خانواده در اسلام با تعاریف موجود متفاوت باشد. آیات و روایات بسیاری وجود دارد که انحصار خانواده را به افرادی که نسبت سببی یا نسبی با هم دارند، شکسته و مفهوم اهل بیت را با شرایط دیگری آمیخته است، از جمله عمل صالح و ولایت‌پذیری، که باعث می‌شود پسر نوح (ع) طبق آیه شریفه قرآن از خانواده نوح (ع) طرد شود. پس خانواده مطلوب کوچک‌ترین و اصلی‌ترین به‌عنوان امت اسلامی و بستری برای رسیدن به تکامل و قرب الهی است که براساس عمل صالح و با محوریت ولایت‌پذیری تشکیل شده و ثبات می‌یابد. این خانواده بستر شکل‌گیری و توسعه اخلاق حسنه و دور شدن اعضای آن از اخلاق رذیله است.

بر این اساس، در مدلی که برای خانواده، طراحی شده است، نیروهای انسانی، یعنی



آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب ۹۱۷ ►

اعضای خانواده، براساس سه متغیر، دسته‌بندی خواهند شد؛ دسته اول، افرادی هستند که در خانواده، هیچ حقی برای خود قائل نیستند و همیشه و در همه حال، خود را در برابر معبود بی‌همتا بدهکار می‌بینند و عبد او هستند و حتی از نزدیک‌ترین کسان خود نیز توقع تشکر و قدردانی ندارند. این افراد در مدل، «دل‌بسته» نامیده می‌شوند. در نقطه مقابل این افراد، کسانی هستند که غیر از رسیدن به حقوق مادی خویش، هیچ چیز دیگری را نمی‌بینند و تمام عملکردها و رفتارهایشان براساس رسیدن به حقوق فردی خویش است. اصطلاحاً، چنین افرادی که دائماً حقوق خویش را طلب می‌کنند، «وابسته» خوانده می‌شوند. در بین این دو دسته، دسته دیگری هستند که آن اهداف آرمانی و مطلوب را ندارند، اما مانند دسته وابسته نیز نیستند. این افراد حق و حقوق خود را می‌بینند، اما ایثار کرده، از آن می‌گذرند. این دسته افراد با اصطلاح «پیوسته» معرفی می‌شوند.

با توجه به مطالب فوق، در ادامه، به ترسیم انواع خانواده خواهیم پرداخت که بر طبق نگاه افراد درون آن نسبت به حقوق خود، شکل می‌گیرد. بر این اساس، در مدل مطلوب خانواده اسلامی، که بستری برای سیر بندگی خدا فراهم می‌کند، در فرض آرمانی، تمامی افراد به نوعی پرورش می‌یابند که خود را در برابر معبود می‌بینند و چون خود را بنده او می‌دانند، حقی برای خود قائل نیستند و به تعبیر دقیق‌تر «دل‌بسته» هستند. پس در محیط خانواده نیز با همین نگرش زندگی می‌کنند و به این دلیل طی مسیر تکامل برای افراد راحت‌تر شده و به هدف واقعی از حیات دنیوی دست می‌یابند که همانا عبودیت خداوند در تمامی لحظات است. در این محیط، دیندار شدن، ترقی کردن و به مراتب انسانیت رسیدن بسیار آسان‌تر است؛ چون بستر تکامل برای افراد آماده است.

در این مدل، حد وسطی از خانواده‌ها وجود دارند که نه وابسته و نه دل‌بسته هستند، که به آنها پیوسته اطلاق می‌شود؛ یعنی افراد خانواده درعین حال که برای خود حقی می‌بینند، از آن می‌گذرند و ایثار می‌کنند؛ مثلاً زن یا مرد در خانواده برای فعالیت و کارهایی که انجام می‌دهد، به داشتن حق و حقوقی قائل هستند، اما برای حفظ خانواده از حق خود می‌گذرد و چشم‌پوشی می‌کند. در این خانواده، ممکن است افراد با تحمل یکدیگر با هم زندگی کنند و رشد، تکامل و بندگی با شرایط سخت‌تری نسبت به دسته اول، برای آنان فراهم می‌شود. مبنای تشکیل و حفظ چنین



خانواده‌ای، وجود عشق مجازی طرفین است که به عشق نفس برمی‌گردد و با به هم خوردن تعادل در خانواده، ممکن است مسیر خانواده به سوی طلاق نیز کشیده شود. دسته سوم در این مدل، خانواده وابسته است. این خانواده فقط برای ارضای نیازهای مادی تشکیل شده است؛ در این خانواده‌ها افراد دائماً در حال نزاع با یکدیگر بر سر طلب حق و حقوق خود هستند و ایثار و گذشت هم در زندگی آنها، معنای کم‌رنگی دارد؛ به همین دلیل، میزان طلاق و جدایی در این خانواده‌ها بیشتر خواهد بود. بنابراین، در این مدل، خانواده به طیفی از خانواده «دل‌بسته دل‌بسته» که همان خانواده مطلوب و آرمانی، یعنی خانواده حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) است تا خانواده «وابسته وابسته وابسته» تقسیم می‌شود.

۳-۲-۲. چرایی خانواده مطلوب؛ علل تشکیل خانواده، کارکردها و ویژگی‌ها

زندگی خانوادگی بدون جریان عشق، سرد و بی‌روح است، اما این عشق به دو صورت وجود دارد: (۱) عشق به خدا؛ (۲) عشق به خود یا همان حب نفس. اگر خانواده بستر جریان عشق حقیقی قرار گیرد و خانواده نیز بر همین اساس تشکیل شده باشد، خانواده‌ای منسجم و کارآمد را تشکیل می‌دهد که به سمت تکامل پیش خواهد رفت. فردی که با عشق حقیقی زندگی می‌کند، تمامی اعمال و رفتار و حتی دوست داشتن دیگران را با انگیزه رسیدن به قرب معشوق انجام می‌دهد و انتظار تقدیر و تشکر دیگران را ندارد. این درحالی است که فردی که عاشق خود است، همه‌چیز را برای خود می‌خواهد و اعمالی چون ایثار و گذشت را بی‌معنا می‌داند. او افرادی را دوست دارد که آرامش او را تأمین کنند و برای او سودآور باشند. در خانواده مطلوب الهی، فرد برای خشنودی معبود، ازدواج کرده و برای خداست که فرزند می‌آورد و برای اوست که به آنها محبت می‌کند؛ چون عاشق این است که به خدا نزدیک‌تر شود و رضای او را جلب کند.

با توجه به تمام کارکردهایی که برای خانواده برشمرده شده است؛ در این بخش، کارکردها و چرایی خانواده مطلوب الهی براساس اهمیت هر یک، به سه بخش «اصلی، فرعی و تبعی» تقسیم می‌شود. به نظر می‌رسد که «عشق به خداوند متعال، اجابت خواست ولی الهی» از چرایی‌های (کارکردهای) اصلی و محوری یک خانواده مطلوب در اسلام است. این خانواده، کارکردهای فرعی دیگری، مانند «تولید و تداوم نسلی



دارد که باعث مباهات پیامبر اکرم(ص) و پرورش خلیفه‌ی خداوند در زمین» می‌شود. همچنین، «محافظت اعضا از لغزش‌ها و معاصی و رشد ویژگی‌های اخلاقی افراد در خانواده» از کارکردهای فرعی دیگر خانواده‌ی الهی است. در سایه‌ی چنین خانواده‌ای، «کارکردهای آرامش و سکون، مودت و رحمت و ارضای نیاز جنسی»، به‌عنوان کارکردهای تبعی، شکل خواهد گرفت.

۳-۲-۳. چگونگی خانوادگی مطلوب

خانواده‌ی مطلوب و الهی که تعریف آن گذشت، همواره معنای آیه‌ی شریفه «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» را در نظر خواهد داشت و چون تمامی اهداف زندگی خود را خدایی لحاظ کرده است، دلیلی برای فروپاشی ندارد. به‌نظر می‌رسد که مؤلفه‌های ذیل در مجموع، باعث استحکام و استمرار خانواده خواهند شد. خانواده‌ای که با توجه به کفویت ایمانی طرفین تشکیل شده است، با انجام عمل صالح توسط افراد آن، باثبات‌تر می‌شود. دقت به این نکته ضرورت دارد که اعمال صالح، دربردارنده‌ی رفتار و اخلاق حسنه (ایثار، تواضع، صبر، گفتار نیک، حسن خلق، راست‌گویی و...) و عبادات (واجبات و مستحبات) است. این خانواده با همراهی و مساعدت اعضای آن، با یکدیگر در اطاعت از خداوند متعال، بر رشد و تکامل خود خواهد افزود. همان‌گونه که مشخص است، هیچ خانواده‌ای از تأثیر عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مصون نخواهد بود. بنابراین، ضرورت دارد که در جامعه‌ی اسلامی ساختارهای حاکم بر جامعه با جهت الهی به‌گونه‌ای پی‌ریزی شود که خانواده‌ها را در مسیر کمال و قرب الهی سوق دهد. بنابراین، در چنین جامعه‌ای که براساس تقرب هدف‌گذاری شده و تمامی ساختارها، سازمان‌ها و نهادهای آن نیز بر همین اساس شکل گرفته و سیاست‌گذاری شده است، بستری خواهد بود که اعضای آن با سهولت بتوانند مراحل رشد و تعالی را طی کنند. همچنین، الگوی قرار گرفتن زندگی پیامبر اسلام (ص) و خاندان ایشان و کاربردی و مدل‌مند ساختن سبک و روش‌های خانواده‌ی اهل بیت(ع)، از جمله عواملی است که در ثبات و استحکام خانواده‌ای که براساس مبانی اسلام شکل گرفته است، مؤثر خواهد بود. از آنجایی که در مبانی دین مبین اسلام، سفارش‌های اکیدی درباره‌ی ارتباط خانواده‌ها با یکدیگر در قالب صلۀ رحم آمده است، نباید از نقش ارتباطی خانواده‌ها با یکدیگر غافل ماند که از یک‌سو، عاملی



بسیار اثربخش در ایجاد اخلاق حسنه در میان اعضای خانواده است و از سوی دیگر، اثر بازدارندگی در آسیب‌های خانواده را دارد. عوامل فوق مسیر خانواده الهی را برای سیر الی‌الله هموار نموده و با پرداختن به آنها می‌توان خانواده‌ها را به سمت تکامل رهنمون ساخت.

چند نکته

الف. در این مدل، خانواده به‌گونه‌ای تعریف و ترسیم می‌شود که جریان ولایت الهیه و تکامل اعضا و مجموعه خانواده عینیت می‌یابد.

ب. در مدل بیان شده، تصریح می‌شود که آنچه در خانواده مطلوب و براساس موازین شرع به صورت مدل مند ارائه شده، «اصل خانواده» است و آنچه غیر از آن، اما شبیه به خانواده مطلوب است، «شبه خانواده» است. اما آنچه دیکته شده از مبانی الحادی و غیر الهی است، «وهم خانواده» بوده، اصلاً خانواده نیست.

ج. در خانواده مطلوب، تمامی عملکردها براساس خواست و تدبیر، ولی اجتماعی شکل خواهد گرفت. بنابراین، خانواده، که کوچک‌ترین واحد اجتماع بزرگ امت اسلامی است، در همان مسیری قرار خواهد گرفت که ساختارها و نظام حاکم در آن مسیر هستند. پس اگر ساختارها، سازمان‌ها و نهادها نیز در مسیر تقرب و کمال الهی باشند، خواه ناخواه خانواده‌ها نیز در همان مسیر رشد خواهند یافت.

د. البته ضرورت دارد که این مدل در الگوی اسلامی پیشرفت و در راستای سایر اجزای آن ملاحظه شود تا از نگاه صرفاً نظری خارج شده و قابلیت عینی شدن و جریان یافتن در جامعه را داشته باشد.

۴. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین و محوری‌ترین راه‌حل، طراحی یک شیب مناسب برای ایجاد تغییرهای بنیادین، از خانواده‌های امروزی به سمت خانواده الهی است؛ به‌گونه‌ای که تمام خانواده‌ها را بتوان به سمت آن خانواده مطلوب رهنمون کرد و سوق داد. لازمه چنین شیبی، ارائه مدلی کارآمد و عینی است. مدلی که علاوه بر حفظ تمامی ارکان ارزشی خود، توان پاسخ‌گویی به نیازهای دنیای امروز را هم داشته باشد؛ مدلی که پس از معرفی خانواده پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان الگویی برای تمامی اعصار و ابنای بشر،



آسیب‌شناسی پژوهش‌های خانواده و ضرورت تولید مدل خانواده مطلوب ▶ ۹۲۱

بتواند سبک و روش زندگی آن بزرگواران را به الگوی عملی تبدیل کنند. همگان به این مهم معتقدیم که آنچه در اصول اصیل اسلامی ما نهفته است، به‌مثابه گنج‌های تمام‌نشدنی است که اگر جامعه‌ای بر این اساس تنظیم شود، خواهد توانست از این روش‌های بی‌بدیل، به شرط آنکه به آنها نگاه مدل‌مند و مجموعه‌ای داشته باشد، بهره‌های فراوان برده، نهاد خانواده را از هر نوع آسیب و گزند مصون و محفوظ بدارد. همچنین، در نتیجه طراحی این مدل، ابتدا این نگرش که باعث ارائه یک تعریف از خانواده می‌شود، تغییر می‌کند و تعریف خانواده و ابعاد آن در یک طیف، قرار خواهد گرفت که براساس آن می‌توان تمامی تعاریف را طبقه‌بندی و برای رشد هر کدام به مرحله بالاتر برنامه‌ریزی کرد. در قسمت تدبیر این مدل هم می‌توان با ارائه راهکارهای عملی -طبق پیش‌بینی- خانواده وابسته را پیوسته و پیوسته را در مسیر دل‌بستگی قرار داد، هر چند که صددرصد به آن مطلوب واقعی نرسند. در بخش کنترل نیز می‌توان به صورت کمی مشخص کرد که در صورت عدم طراحی، ساخت و به کارگیری مدل‌هایی براساس موازین و توصیه‌های شرع مقدس اسلام، چه نتایجی به بار خواهد آمد.

منابع

۱. آزاد ارامکی. تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، سمت.
۲. آقاجهرانی، مرتضی و محمدباقر حیدری کاشانی (۱۳۸۹). *خانواده و تربیت مهدوی*، تهران، کتاب یوسف.
۳. اسعدی، سیدحسین (۱۳۸۷). *خانواده و حقوق آن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴. اعزاز، شهبلا (بی‌تا). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
۵. انصاریان، حسین (۱۳۷۵). *نظام خانواده در اسلام*، قم، ام‌اینها.
۶. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۳). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۷. بهشتی، احمد (۱۳۷۷). *خانواده در قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. حجازی، سیدجعفر (۱۳۷۲). *اهل بیت در آیه تطهیر*، ترجمه محمد سپهری، قم، بوستان کتاب، چ ۴.
۹. حسینی الهاشمی، سید مرتضی (۱۳۸۸). *طرح دست‌یابی به مدل مدیریت تکاملی خانواده*، قم، مؤسسه کوثر ولایت نور، (چاپ داخلی).
۱۰. حسینی، داوود (۱۳۸۸). *روابط سالم در خانواده*، قم، بوستان کتاب، چ ۱۱.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۶). *سیره نبوی: منطق عملی*، تهران، دریا.
۱۲. رحیمی‌یگانه، زهرا (۱۳۸۶). *خانواده شاد و با نشاط*، تهران، سازمان ملی جوانان.



۹۲۲ ◀ کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده

۱۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۸۱). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات سروش.
۱۵. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۴). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، تهران، سمت.
۱۶. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸). *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، قم، نشر مهاجر.
۱۷. سویزی، مه‌ری (۱۳۸۶). *خانواده کارآمد و متعالی*، تهران، کتاب نیستان.
۱۸. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۴). *خانواده متعادل (آناتومی خانواده)*، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. شریف قرشی، باقر (۱۳۸۲). *نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)*، ترجمه لطیف راشدی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۶). *تحلیل اجتماعی از صله رحم*، قم، بوستان کتاب، چ ۲.
۲۱. صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی (۱۳۷۶). *مختصر حقوق خانواده*، چاپ سوم، تهران، دادگستر.
۲۲. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۴). *سیری در ساختار خانواده*، تهران، چا و نشر بین‌المللی.
۲۳. فاخری، علیرضا و محمدحسین منتظری (۱۳۸۵). *اخلاق خانواده*، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۴. قائمی، علی (۱۳۷۳). *نظام حیات خانواده در اسلام*، تهران، امیری.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). *دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده*، برگرفته از فلسفه حقوق خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۶. کشوادی، طاهره (۱۳۸۶). *اقتصاد در خانواده*، تهران، سازمان ملی جوانان.
۲۷. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۶۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۹.
۲۸. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، با همکاری عباس پسندیده، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۲۹. محمدی جورکویه، علی (۱۳۷۶). *قصاص مرد در برابر زن (با نگاهی به فلسفه تفاوت‌ها)*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. مرتضی‌عاملی، سیدجعفر (۱۳۷۲). *اهل بیت در آیه تطهیر*، ترجمه محمد سپهری، قم، بوستان کتاب، چ ۴.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *اختلاف جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران، صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
۳۵. میرحسینی اشکوری، مریم (۱۳۸۲). *برکرانه خانواده*، قم، فیضیه، چ ۱.
۳۶. هدایت‌نیا، فرح‌الله (۱۳۸۶). *داوری در حقوق خانواده*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

